

«عشق چرا ندارد»

و «الشام» رونمایی شد

همزمان با روز مدافعان حرم و شهادت حضرت رقیه (س) آیین رونمایی از دو کتاب جدید انتشارات روایت فتح در فرهنگسرای عطار نیشابوری برگزار شد.

در ابتدای این مراسم فرزانه مردی جانشین انتشارات روایت فتح ضمن خیرمقدم به مهمانان به معرفی این دو کتاب پرداخت و گفت: کتاب «عشق چرا ندارد»؛ زندگینامه شهید مدافع حرم سپیدان استان فارس شهید محمد صاحب‌کرم است که به روایت همسر شهید نوشته شده و کتاب «الشام»؛ با موضوع خاطرات طلبه فرهنگی، حسین عباسی از ۴۵ روز سفر به سوریه است که هر دوی این کتاب‌ها به قلم نویسنده شیرازی سرکار خانم مریم شیدا به نگارش در آمده است.

در ادامه مهدی محمدخانی، مدیر انتشارات روایت فتح گزارشی از فعالیت‌های انتشارات ارائه داد و گفت: انتشارات روایت فتح طی سالیان گذشته توفیق داشته بیش از ۴۰ اثر با موضوع مدافعان حرم منتشر و روانه بازار نشر کند. همچنین تاکنون بیش از ۳۷۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف ادبیات بیداری و انقلاب اسلامی از جمله زندگی‌ایثارگران، خانواده شهدا، روایت‌هایی از جانبازان و مادران شهدا منتشر شده است.

وی در ادامه بیان کرد: پس از جنگ سوریه و اتفاقاتی که در حوزه مدافعان حرم شکل گرفت این انتشارات از سال ۱۳۹۶ به پیشقدم شدن در نشر آثار قابل توجهی، اقبال مخاطبان روبه‌رو شد. بیش از ۱۰ عنوان کتاب مدافعان حرم انتشارات روایت فتح مربوط به استان فارس می‌شود، سیاست انتشارات این است که آثار خود را بیشتر از بین نویسندگان و سوزده‌های بومی استان‌ها انتخاب و منتشر کند.

در انتشارات روایت فتح به سوزده‌های بکر و جذاب پرداخته می‌شود تا هرچه بیشتر قشر جوان و خانواده‌ها را مخاطب خود قرار دهد. در این کتاب‌ها به زوایای پنهان و خانوادگی شهدا پرداخته تا برای جوانان الگوسازی شود.

در ادامه مراسم خانم صدیق، همسر شهید صاحب‌کرم گفت: کتاب زمانی به دستم رسید که سالروز تولد بنده بود و با توجه به طرح جلد خاص کتاب که پلاک موتور همسر است و شماره پلاک تاریخ تولد من انتخاب شده حس خوبی از مطالعه این کتاب به بنده منتقل شد.

یک سال عشق محمد را برای مدافع حرم شدن دیدم، از زندگی خودم گذشتم و رضایت دادم تا ایشان به عشق خودش برسد، اگر الان به گذشته برگردم حتی یک روز هم رضایت دادن را به تأخیر نمی‌اندازم و کمک می‌کنم محمد به عشق ابدی‌اش برسد.



معرفی اجمالی کتاب «لهجه‌های غزه‌ای» به قلم یوسف القدره و فاتنه الغره

دوست دارم زندگی کنم، نه این که فقط باشم

غزه جلب شد و این اقبال عمومی عطش دانستن را بیشتر می‌کند؛ بنابراین لزوم انتشار کتاب‌هایی مشابه لهجه‌های غزه‌ای بیش از پیش احساس می‌شود.

تصور می‌شود که از جامعه سپید یکدست فلسطینی در رسانه‌های عمومی ساخته شده در برابر جامعه یکدست سپاه اسرائیلی تصویری غیرواقعی است که نمی‌توان به آن نزدیک شد. در این کتاب با فلسطینی‌ای مواجه می‌شوی که وقت فرار حاضر نیست همشهری‌اش را سوار ماشین کند یا برای هیزم باغ‌های دیگران را پایمال می‌کند و البته اسرائیلی‌هایی هم هستند که به عقاید و روش‌های صهیونیسم معتزند.

اگر کسی در هرجای دنیا بخواهد صدای اهالی فلسطین را به دنیا برساند باید تصویری درست منعکس کند تا اثربخشی بیشتری داشته باشد. اگر مخاطب گمان کند غزه یا سراسر فلسطین اکنون خرابه‌ای بیش نیست شاید تلاش و امید را نابود کند، در حالی که باریکه غزه جایی بسیار وسیع است و همه جای آن هم تخریب نشده و زندگی در آن در جریان است. همان اندازه که نشان دادن مصائب عظیم این مردمان می‌تواند کارگشا باشد، بزرگ‌نمایی نادرست آن هم می‌تواند صدمه بزند. برای همین فاتنه در نامه‌ای به لمار، برادرزاده‌اش می‌نویسد: می‌خواهم اگر روزی خواستی از فلسطین در دادگاهی دفاع کنی واقعیت را بدانی.

لحن سرزنده

لحن دو شاعر در عین روایت روزمرگی اما گاه سرزندگی دارد. تراژدی در کنار شوخی طبعی، مرگ در کنار زندگی، امید در برابر یأس و... همه تضادهایی هستند که غزه را سرپانگه داشته‌اند، اگرچه نسبت این دو به هم نامساوی و بسیار نابرابر باشد. وقتی حرف می‌رسد به صف بلند زنانی که در نوبت آزمایش بارداری هستند و پسرانی که اطراف روترهای اینترنت به تیرک‌ها تکیه داده‌اند وقتی یک روز تمام بوی فلافل می‌پیچد؛ خواننده زندگی در غزه را از نزدیک لمس می‌کند.

مطمئناً انتخاب روایت دو شاعر از میان ۳۰ یادداشت به قلم افراد مختلف، سلیقه و هوش خوب مترجم آقای محمدرضا ابوالحسنی و مشاوران پروژه است. اما کتاب نیاز به ویرایش و نمونه‌خوانی دارد و نیز در مواردی لازم است متن پانویس داشته باشد. ترجمه در جاهایی می‌توانست روان‌تر باشد، البته باتوجه به توضیح مترجم در مقدمه، لهجه‌های غزه‌ای در وقت فشرده‌ای ترجمه و چاپ شده تا به نمایشگاه کتاب برسد. از این جهت کار بزرگی انجام شده اما این ابتدای راه است و مشتاقان منتظر انتشار ادامه این مجموعه هستند. به قول لمار اگر «دوست داریم زندگی کنیم نه این که فقط وجود داشته باشیم»؛ باید زنده بودن را مفید کنیم

و انتشار چنین کتاب‌هایی یک قدم برای تحقق این‌گونه اهداف است.



این یادداشت‌ها

به قلم دو شاعر

فلسطینی است

که یکی ساکن غزه

و دیگری مقیم

بلژیک است که

طی سفری برای

دیدار خانواده

گرفتار حمله

زمینی اسرائیل

می‌شود. شاعر

با کلمه دمخور

است و ارزش

جایگاه هرواژه

را می‌شناسد؛

بنابراین نوشتار

با وجود سادگی

باصلاست است



سمیه جمالی

نویسنده

فلسطین یک کشور نیست یک بسته فرهنگی متنوع است که آدم‌ها در برخورد با آن تکلیفی دارند. هیچ‌کس نمی‌تواند نسبت به مسئله فلسطین بی تفاوت باشد و در نهایت یک طرف ماجرا می‌ایستد. با وجود این سبک زندگی فلسطینیان هنوز در لایه‌ای از مه‌قرار دارد، زیرا دانسته‌ها مان از طریق اینترنت و تلویزیون است؛ بسیار عام و تکراری. شناخت شرایط و فرهنگ آن منطقه از نزدیک، زنده و بدون حجاب واقعاً نایاب است. انگار همان طور که ورود به نوار غزه تقریباً ناشدنی است، خروج اطلاعات از آن هم دچار محاصره شده.

برای آشنایی با فرهنگ فلسطین کتاب‌های زیادی وجود دارد چه در قالب داستان چه به اشکال مختلف غیرداستانی و مستند اما کتاب «لهجه‌های غزه‌ای» روزنوشت‌های دو نفر از اهالی غزه است که رویدادها را عریان جلوی چشم خواننده می‌گذارند.

جنگی نه شبیه سایر جنگ‌ها

این‌که این کتاب روزنوشت است کار را متفاوت می‌کند. روزنوشت آن هم در جریان جنگ، جنگی نه شبیه سایر جنگ‌ها. اگر روایت‌ها در قالب دیگری بود شاید به این اندازه اثرگذار نبود. وقتی فردی در زمان وقوع حادثه شرح رویداد می‌دهد با جزئیات بیشتر و احتمالاً بدون دخالت عوامل بازاریارنده می‌نویسد. او احساساتش درگیر است و به فکر مصلحت‌اندیشی نیست، پس دیده‌ها و شنیده‌ها را اولاً بدون فراموشی و دیگر بدون ممیزی روی کاغذ می‌آورد. بله ممکن است اگر فقط زمانی کوتاه بعد از حادثه نوشته می‌شد جزئیات بیشتری به خاطر نویسنده می‌آمد و از نظر ادبی کاری فصیح‌تر ارائه می‌شد، اما خواننده اینجا چندان مشتاق خواندن یک متن بی نقص نیست، همین اضطراب و صراحتی که در متون هست گویای مسائل بهتری است. فردی که در دل جنگ روزنوشت می‌نگارد به سبب این‌که مرگ را به خود هر لحظه نزدیک می‌بیند؛ جنس، رنگ و بوی نوشته‌هایش فرق می‌کند. مقایسه کنید روزنوشت‌های برخی رزمندگان ایرانی را که زیر آتش جنگ تحمیلی نگاشته شده با خاطرات کامل و ویرایش شده‌ای که بعد از جنگ به فراوانی منتشر می‌شود.

ساکن غزه؛ مقیم بلژیک

این یادداشت‌ها به قلم دو شاعر فلسطینی است که یکی ساکن غزه و دیگری مقیم بلژیک است که طی سفری برای دیدار خانواده، گرفتار حمله زمینی اسرائیل می‌شود. شاعر با کلمه دمخور است و ارزش جایگاه هر واژه را می‌شناسد؛ بنابراین نوشتار با وجود سادگی باصلاست است.

تمام عکس و فیلم‌هایی که خبرنگاران از فجیع‌ترین صحنه‌های جنگ با جانفشانی ارسال می‌کنند را بگذارید کنار، کلمات این دو شاعر با شما کاری می‌کند که انگار وسط معرکه هستید. ابدا صحنه‌ها با خشونت و به شکلی جانگداز روایت نمی‌شود. اساساً با روایت‌های زیادی جگر خراش و روضه‌باز موافق نیستم به گمانم اثری عکس دارد. در لهجه‌های غزه‌ای هرگز تن درهم پیچیده و مغز بیرون پاشیده به تصویر کشیده نمی‌شود.

اقبال عمومی و عطش دانستن

این یادداشت‌ها بعد از آغاز عملیات طوفان الاقصی نوشته شده است. آن زمان کسی گمان نمی‌کرد این جنگ که تا امروز بیش از ۳۰۰ روز به طول انجامیده این اندازه طولانی شود، پس از آن توجه مردم جهان به سبک زندگی مردم

